



اشاره

اگرچه بر طبق تعریف سازمان ملل متحد دوره جوانی در ۲۵ سالگی به پایان می‌رسد، اما اگر جوانی را دوره گذار از خردسالی به بزرگسالی بدانیم، در آن صورت جوانی به عنوان یک سازه اجتماعی دوره‌ای است که مؤلفه‌های آن از لحاظ اجتماعی تعریف می‌شوند. بنابراین جوانی در هر جامعه و در لحظاتی از تاریخ آن جامعه متفاوت است. جوانی را باید مرحله گذار از وضعیت وابستگی به وضعیت استقلال و رشد کامل دانست که انسان را قادر می‌سازد حقوق و تعهدات مربوط به بزرگسالی را محقق سازد. زمان بندی گذار به سوی دوران بزرگسالی تا حدودی توسط قوانین یک جامعه تعیین می‌شود. به عنوان مثال، مواردی نظیر پایان دوره آموزش عمومی یا تحصیل اجباری، حداقل سن ازدواج، سن مناسب برای خدمت نظام وظیفه و حداقل سن برای اخذ گواهی‌نامه رانندگی همگی از سوی قانون معین می‌شوند. با این همه بخشی دیگر از مؤلفه‌های گذار، به زمان پیوستن فرد به بازار کار و یا ورود به دانشگاه به عنوان شاخصی مهم در انتقال در بزرگسالی مربوط می‌شود. سایر مؤلفه‌ها عبارتند از: کسب استقلال مکانی (غیرمسکن مستقل)، تشکیل خانواده و تولد اولین فرزند. بنابراین دوران گذار عبارت است از تعداد سال‌های میان پایان دوره تحصیل و تولد اولین فرزند.

جوانان و شهروندی

❖ کاری از: انجمن جامعه‌شناسی ایران
تدوین و تنظیم: مراد مهدی‌نیا

در برخی کشورها طول دوره گذار بر حسب درجه توسعه‌یافتگی و ریشه‌های فرهنگی، کوتاه و در برخی کشورها طولانی است. به عنوان مثال، طول دوره جوانی در جنوب اروپا بیشتر از شمال آن است. بریتانیا و ایرلند دوره گذار طولانی دارند- به طور متوسط ۶/۵ تا ۷ سال- در حالی که در کشورهای شمال اروپا طول این دوره به طور متوسط ۵/۵ سال است. جوانان دانمارک و هلند کوتاه‌ترین دوره گذار را تجربه می‌کنند؛ درحالی‌که این دوران در پرتغال و ایتالیا طولانی‌تر است. البته متغیرهایی مانند: جنسیت، طبقه، مذهب، قومیت و پیشینه خانوادگی جوانان در سطح تحلیل خرد با الگوی گذار از جوانی به بزرگسالی ارتباط دارند. توانایی جوانان متعلق به گروه‌های اقتصادی- اجتماعی مختلف در نیل به استقلال متفاوت است.

وجود دوره‌ای با عنوان گذار به بزرگسالی و طولانی‌تر شدن آن در یک جامعه بدین معناست که جوانان در طول این دوره گرچه به لحاظ نظری شهروند محسوب می‌شوند، اما در عمل دارای حقوق کامل شهروندی نیستند. به عبارت دیگر، شهروند شدن فرایندی است که به تدریج و با تأخیر در مورد جوانان رخ می‌دهد و اصولاً موقعیت شهروندی جوانان موقعیتی لرزان و نامطمئن است. استقلال و برابری عناصر کلیدی شهروندی کامل محسوب می‌شوند. هر چه دوران وابستگی جوانان به والدین طولانی‌تر باشد، دوران گذار به شهروندی کامل نیز طولانی‌تر می‌شود. بدون مفهوم «برابری شهروندان» نمی‌توان سخن از شهروندی واقعی بر زبان راند. بنابراین اگر حقوق و مسئولیت‌ها و دسترسی به نهادهای سیاسی به‌طور نابرابر در میان جوانان و یا بین جوانان و بزرگسالان توزیع شده باشد، در آن صورت موقعیت شهروندی عده‌ای در مقابل عده‌ای دیگر تنزل می‌یابد و عده‌ای دارای موقعیت شهروندی بهتری در مقایسه با دیگران می‌شوند (تبعیض). بنابراین از یک سو باید به بررسی میزان نابرابری موجود

در میان جوانان بر حسب متغیرهایی مانند: جنسیت، طبقه و قومیت پرداخت و از طرف دیگر میزان نابرابری‌های میان نسلی را مورد توجه قرار داد.

تعریف مفاهیم

الف) **ابعاد شهروندی:** شهروندی از سه بُعد تحلیلی تشکیل شده است:

- **حقوق و مسئولیت‌ها؛** شامل حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی، اطاعت از قانون، پرداخت مالیات، مشارکت در حیات سیاسی و مانند آن.

- **دسترسی به نهادهای سیاسی و ابزارهای مشارکت که باعث قدرت‌بخشی به شهروندان می‌شود.**

- **تعلق؛** چه به صورت عضویت رسمی (ملیت) و چه به صورت احساس تعلق یا هویت ملی و محلی.

ب) شهروندی کامل

افراد جامعه در میزان بهره‌مندی از حقوق و مسئولیت‌ها، میزان دسترسی به نهادهای سیاسی و درجه احساس تعلق (هویت ملی و محلی) با همدیگر تفاوت دارند. شهروند کامل کسی است که توانایی اعمال یا تحقق هر سه بُعد شهروندی را داشته باشد. به عبارت دیگر شهروندی کامل یعنی تلاش فعالانه برای احقاق حقوق، قبول مسئولیت‌ها، دسترسی به نهادهای سیاسی و احساس تعلق به اجتماع محلی یا ملی.

شناخت وضعیت گذشته

جوانان ایرانی در حال حاضر مدت زمان بیشتری در دوران گذار باقی می‌مانند. آنها دیرتر ازدواج می‌کنند، دیرتر صاحب فرزند می‌شوند و دیرتر از نسل قبلی خود به استقلال می‌رسند. این امر به معنی تأخیر در تحقق شهروندی کامل جوانان ایرانی است. درحال حاضر تناقض‌هایی بین مسئولیت‌های موردانتظار از جوانان و میزان حقوق اعطاشده به آنها وجود دارد. عمده مشکلات و موانع تحقق شهروند کامل در مورد جوانان را می‌توان به شرح زیر فهرست کرد:

۱. آموزش شهروندی درحال حاضر به



شهروندی کامل
یعنی تلاش
فعالانه برای
احقاق حقوق،
قبول مسئولیت‌ها،
دسترسی به
نهادهای سیاسی
و احساس تعلق
به اجتماع محلی
یا ملی.

صورت منسجم در مدارس کشور اجرا نمی‌شود. به علاوه برخی از نهادهای مسئول در آموزش شهروندی (مدارس) به شیوه دموکراتیک اداره نمی‌شوند، بنابراین محیط مدرسه محلی مناسب برای تمرین و یادگیری شهروندی نیست.

۲. آموزش و پرورش هم می‌تواند موجب نیل جوانان به استقلال و برابری شود و شهروندی کامل را محقق سازد و هم قادر است تحقق آن را محدود سازد. میزان ترک تحصیل و افت تحصیلی جزء معیارهای سنجش موقعیت شهروندی جوانان در عرصه آموزش است. جوانانی که افت تحصیلی را تجربه می‌کنند، ممکن است در آینده از پیدا کردن شغل محروم بمانند و یا در مشاغل کم‌درآمد و نامطمئن اشتغال یابند که این به معنای افزایش فقر و تأخیر در کسب استقلال اقتصادی به عنوان عنصر کلیدی شهروندی کامل است.

۳. کمبود بودجه نهادهای آموزشی و پرورشی در کشور و ناتوانی مالی دانش‌آموزان (یا خانواده‌های آنها) جهت شرکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه، از جمله فعالیت‌های ورزشی، باعث اختلال در شکل‌گیری هویت ملی دانش‌آموزان می‌شود؛ چرا که پژوهش‌ها نشان می‌دهند که میان فعالیت‌های فوق‌برنامه یا داوطلبانه و مشارکت سیاسی در دوران بزرگسالی رابطه مستقیم وجود دارد. این وضعیت دارای پیامدهای بلندمدت از نظر میزان مشارکت سیاسی یا کنارگذاری اجتماعی اعضای محروم یا مستضعف جامعه است.

۴. ارائه توصیه‌ها و پیام‌های اخلاقی در خصوص مذموم‌بودن مصرف سیگار و مواد مخدر و مشروبات الکلی الزاماً ابزارها و منابع مناسبی برای تصمیم‌گیری‌های جوانان فراهم نمی‌کنند؛ آن هم در جامعه‌ای که برخی بزرگسالان آن، خود مصرف‌کننده مواد فوق‌الذکر هستند. باید توجه داشت که مصرف تفریحی مواد فوق‌الذکر از سوی جوانان تلاشی است برای جست‌وجو و شکل‌دهی به هویت شخصی و کسب

موقعیت بزرگسالان. ارائه اطلاعات مفید و بازدارنده و تلاش برای کنترل عرضه و تقاضا در زمینه مصرف مواد فوق‌الذکر راهی برای تحقق شهروندی کامل جوانان است.

۵. آموزش جنسی تقریباً در برنامه آموزشی مدارس کشور غایب است. این وضعیت در دنیایی که انواع بیماری‌های جنسی (به ویژه ایدز) به صورت یک بحران جهانی درآمده است، پیامدهای سرنوشت‌سازی برای جوانان به دنبال دارد.

۶. تحقق شهروندی مستقل مستلزم افزایش قابلیت اشتغال (Employability) جوانان است. هر چه کمیّت و کیفیت تجربیات آموزشی جوانان بالاتر باشد، ورود به بازار کار نیز تسهیل می‌شود. شواهد و داده‌های موجود در خصوص بازار کار جوانان نشان‌دهنده تأخیر در ورود آنان به بازار کار، اشتغال در مشاغل کم‌درآمد و نامطمئن و به‌طور کلی پایین آوردن قابلیت اشتغال آنهاست و این خود تحقق شهروندی مستقل و کامل جوانان را به تأخیر می‌اندازد.

۷. روند خصوصی‌شدن آموزش و پرورش عالی در آینده موجب دوقطبی‌شدن جامعه و محروم‌شدن عده زیادی از جوانان کشور از امکانات آموزشی و در نتیجه تنزل شهروندی آنها می‌شود.

۸. افزایش طول مدت تحصیل و کسب تخصص و افزایش قیمت مسکن و تمایل جوانان به زندگی در یک واحد مسکونی مستقل از والدین و نیز افزایش سن ازدواج در میان جوانان، همگی منجر به تأخیر در حصول استقلال اقتصادی جوانان شده است که این خود موجب تأخیر در تحقق شهروندی کامل می‌شود.

۹. دستگاه‌های انتظامی و قضایی کشور گاه در برخورد با برخی از انحرافات فرهنگی و جرایم جوانان به‌ویژه خرده‌فرهنگ‌های ویژه جوانان رویه‌ای تند و سختگیرانه اتخاذ می‌کنند و این امر به‌ویژه زمانی که داغ (Stigma) اجتماعی بر جبین جوانان نقش می‌بندد، مانع بازگشت مجدد آنها به جامعه و در نتیجه تضعیف موقعیت شهروندی‌شان

می‌شود.

۱۰. دسترسی ناکافی به خدمات بهداشتی به‌ویژه تولیدمثل و افزایش میزان سقط جنین غیرقانونی در کشور خطراتی را متوجه سلامت جوانان و در نتیجه موقعیت شهروندی آنها می‌کند.

۱۱. حق جوانان در محفوظماندن از زیان‌ها و خسارت‌های محیطی به دلیل نارسایی‌های نظام حمل و نقل و ترابری و رانندگی در کشور و مشکلات اجتماعی مربوط به جنسیت، فقر و کنارگذاری نادیده گرفته شده است. بخشی عمده از علل مرگ و میر جوانان به حوادث رانندگی و خشونت‌های اجتماعی و در مورد زنان و دختران جوان به خشونت‌های خانوادگی و جنسی و خودکشی‌های مرتبط به آنها برمی‌گردد.

۱۲. مشارکت جوانان در فعالیت‌های تفریحی، شکل دیگری از مشارکت در اجتماعی محلی است. بهره‌مندی از امکانات تفریحی نیز تابع میزان درآمد و قواعد والدین است. بین دختران جوان و پسران جوان از نظر فعالیت‌های تفریحی تفاوت‌هایی وجود دارد. فرصت‌های انجام فعالیت‌های فوق‌برنامه در عرصه ورزش و فرهنگ در مدارس کشور نیز متفاوت است. هزینه بالای تجهیزات تفریحی، تفاوت‌های طبقاتی را به صورت امری مهم درآورده است. فعالیت بدنی ناکافی در میان جوانان ممکن است دسترسی آنها به بهداشت و سلامت را در آینده و در حال حاضر محدود کند.

۱۳. یکی از مؤلفه‌های شهروندی جوانان، احساس تعلق آنها به اجتماعی محلی است. این امر به معنای مشارکت سیاسی در همه سطوح حکومتی است. مشکلات اجتماعی همچون تبعیض و بیکاری بر نگرش جوانان اثر می‌گذارد. امیدواری به آینده و احساس تعلق هم بر مشارکت جوانان در سیاست و هم بر مقاومت آنها در برابر رانده‌شدن به حاشیه که خود را در شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها و اعتراضی سیاسی نشان می‌دهد، اثر می‌گذارد.

جامعه ایرانی باید
اهمیت تحقق ارزش‌های
اجتماعی، فرهنگی،
اقتصادی و محیطی
نسل‌های مختلف در
جامعه را به رسمیت
بشناسد و از این طریق
موجب پیوندهای
میان‌نسلی شود.

۱۴. استقلال پیش‌نیاز تحقق شهروندی کامل است، اما در حال حاضر بسیاری از جوانان وضعیت نامطمئن و بی‌ثباتی از نظر ورود به بازار کار دارند. میزان بیکاری در میان جوانان رو به افزایش است.

۱۵. تأثیر سیاست‌های اجتماعی بر محقق‌شدن شهروندی کامل را نباید نادیده گرفت. رهاکردن تعهد به ایجاد اشتغال کامل، افزایش مشکلات جوانان در دسترسی به آموزش عالی (مشکل کنکور)، ناتوانی در خرید مسکن و دسترسی محدود به بهداشت و خدمات اجتماعی همگی باعث کنارگذاشتن جوانان شده است. بنابراین گرچه طبق قانون جوانان از سن ۱۸ سالگی بزرگسال محسوب می‌شوند، اما بلوغ یا استقلال اقتصادی، سال‌ها بعد محقق می‌شود و در طول آن سال‌ها والدین مجبورند از فرزندان خود حمایت مالی کنند. بنابراین جوانان متعلق به خانواده‌های ثروتمند شانس بیشتری برای رسیدن به استقلال دارند. این امر جوانان را بر حسب زمینه خانوادگی‌شان به دو دسته «دارا» و «ندار» تقسیم می‌کند. بازتولید بین نسلی و نابرابری‌های اجتماعی به فرصت‌ها و محدودیت‌های متفاوتی برای جوانان منجر می‌شود.

۱۶. با وجود اهمیت امنیت اقتصادی تأکید بیش از حد بر بازار کار ممکن است به نوعی جبرگرایی اقتصادی منجر شود. استقلال اقتصادی و اشتغال برای تحقق شهروندی کامل کافی نیست، بلکه عوامل دیگری نیز باید مورد توجه قرار گیرند؛ از جمله: حق مورد تبعیض واقع‌نشدن، حق دسترسی کافی به مراقبت‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی و حق فعالیت سیاسی.

۱۷. موقعیت شهروندی جوانانی که به گروه‌های مورد تبعیض در جامعه تعلق دارند؛ مانند جوانان بی‌خانمان بسیار ضعیف است. به‌علاوه جوانان فرصت‌های محدودی برای تأثیرگذاری بر تصمیمات مرتبط با آنها در اختیار دارند. هرچند مشارکت یکی از مؤلفه‌های اصلی آموزش شهروندی است، اما در برنامه‌های درسی و آموزش مدارس



**باید به جوانان به
عنوان منبع سرمایه
انسانی نگریم و نه
به عنوان مسئله‌ای که
باید مرتفع شود.**



**جوانان یک توده همگون
نیستند و مشارکت آنها
به معنای یکسان‌سازی
دیدگاه‌های متنوع آنها
نیست، بلکه به عنوان
پذیرش تنوع یک اصل
است.**

کشور چندان مورد تأکید قرار ندارد. نتیجه آموزش شهروندی بدون مشارکت معنادار، تأکید بر مسئولیت‌های شهروندان بدون توجه به حقوق آنهاست.

۱۸. خشونت (Violence) نیز یکی دیگر از مشکلات جوانان است که اغلب به ضرب و جرح و در مواردی به مرگ منجر می‌شود. حوادث رانندگی علت اصلی مرگ و میر جوانان است. میزان بالای خودکشی در میان جوانان می‌تواند ناشی از فقر مادی و فرهنگی و فقدان هویت فرهنگی باشد. افزایش تعداد مبتلایان به ویروس HIV/AIDS و تأمین نشدن نیازهای اساسی (غذا و مسکن) برای کودکان و جوانان همگی نشان‌دهنده نحوه تأثیرگذاری (-Margin alization) بر سرمایه انسانی و موقعیت شهروندی است.

۱۹. اگر در گذشته مراسم عبور (گذار) به بزرگسالی به راحتی و با سهولت صورت می‌گرفت، امروزه بسط یا تمدید دوره جوانی پیامدهایی را برای تحقق شهروندی کامل جوانان به دنبال داشته است. طولانی شدن دوران گذار از جوانی به بزرگسالی، به‌ویژه در شهرهای بزرگ باعث تأخیر در پیدا کردن شغل مطمئن، خرید مسکن و در نتیجه تأخیر در ازدواج شده است. اولین پیامد این نداشتن استقلال، آن است که پدر شدن یا مادر شدن (پذیرش نقش‌های بزرگسالانه) را به تعویق می‌اندازد؛ یعنی تا سن ۳۶ تا ۴۲ سالگی که باروری زنان در آن سنین کاهش می‌یابد.

۲۰. طولانی شدن دوره جوانی مسائل دیگری درخصوص برابری بین نسلی به وجود می‌آورد. هر چند مسائلی همچون مراقبت‌های بهداشتی برای جمعیت سالخورده مهم است، اما نباید به قیمت تحت‌الشعاع قرار دادن مسائل و نیازهای جوانان تمام شود. درحال حاضر به نظر می‌رسد مسائل مربوط به سالمندان مانند بازنشستگی و مراقبت‌های بهداشتی آنها بیش از مسائل مربوط به جوانان مانند: دسترسی به آموزش، اشتغال و مسکن در دستور کار نهادهای ذیربط است. این امر ممکن است به بیگانگی

جوانان منجر شود!

توصیه‌ها و رهیافت‌های سیاستی

۱. تغییر در سیاست‌های اجتماعی یک دولت بر روی موقعیت شهروندی جوانان اثر می‌گذارد.

۲. دولت‌ها می‌توانند و باید جوانان را در حرکت به سمت تحقق شهروندی کامل همراهی و حمایت کنند.

۳. سیاست‌گذاری جوان باید به نحوی باشد که رابطه متقابل میان همه عناصر موقعیت شهروندی را در نظر بگیرد.

۴. نابرابری‌های طبقاتی در جامعه بر روی موفقیت شهروندی جوانان اثر می‌گذارد.

۵. دولت باید برای رفع بحران جوانان تلاش کند.

۶. انتظار پذیرش مسئولیت از سوی جوانان باید متناسب با حقوق اعطایی به آنها باشد.

۷. مشارکت در تفریحات و اوقات فراغت موجب توقف شهروندی نمی‌شود. بنابراین لازم است در این زمینه نهادهای ذیربط در گسترش و تعمیم امکانات تفریحی برای همه جوانان کشور تلاش بیشتری مبذول دارند.

۸. اطلاعات تخصصی درخصوص پیشگیری از اعتیاد، بهداشت روانی، سازگاری با رویدادهای منفی زندگی و نیز مهارت‌های اولیه زندگی باید به جوانان انتقال داده شود.

۹. نظام قضایی کشور باید حافظ حقوق شهروندی جوانان به‌ویژه زنان جوان باشد و آنها را در برابر خشونت دیگران محافظت کند.

۱۰. باید دید چه نوع مقررات و چه نوع نظام حمل و نقل و ترابری مرگ و میر ناشی از حوادث رانندگی را کاهش می‌دهد. نهادهای ذیربط در این زمینه باید تلاش بیشتری کنند و با مطالعات و بررسی‌های کارشناسانه مرگ و میر جوانان را کاهش دهند.

۱۱. به جوانان روستایی توجه خاص باید کرد و آنها را مورد حمایت فرهنگی و اجتماعی قرار داد.

۱۲. تقویت همبستگی میان نسلی و ایجاد فرهنگ تجدید و احیای نسلی دارای اهمیتی

خاص است. جامعه ایرانی باید اهمیت تحقق ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی نسل‌های مختلف در جامعه را به رسمیت بشناسد و از این طریق موجب پیوندهای میان نسلی شود.

۱۳. جامعه باید آرزوها و آرمان‌های جوانان را به رسمیت بشناسد تا جوانان بتوانند هویت شخصی را با هویت جمعی خود آشتی دهند.

۱۴. مشارکت جوانان باید به نفع جوانان باشد. این مشارکت باید بر اساس انتخاب آگاهانه باشد و نه اجبار.

۱۵. فعالیت‌های مشارکتی جوانان باید لذت‌بخش و هیجان‌آور باشد.

۱۶. فعالیت‌های مشارکتی جوانان باید با مسائل و نیازهای واقعی جوانان مرتبط باشد.

۱۷. فعالیت‌های مشارکتی جوانان باید آگاهی آنها را از جنبه‌های شخصی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و نیز موضوعات اثرگذار بر آنها افزایش دهد.

۱۸. این فعالیت‌ها باید فرصت‌هایی را برای آموزش رسمی و شکل‌گیری غیررسمی مهارت‌ها فراهم کنند.

۱۹. این فعالیت‌ها باید فرصت‌هایی را برای ایجاد ارتباط کاری فعال و حمایت‌گراانه میان جوانان و سایر اعضای اجتماع محلی فراهم نمایند.

۲۰. این فعالیت‌ها باید دارای پشتوانه مالی، زمانی، مکانی و اطلاعاتی باشند.

۲۱. باید به جوانان به عنوان منبع سرمایه انسانی نگریست و نه به عنوان مسئله‌ای که باید مرتفع شود.

۲۲. از طراحی و اجرای پژوهش‌های مربوط به جوانان (Youth Research) در کشور حمایت شود. بدون پژوهش‌های مناسب در همه سطوح نمی‌توان استراتژی منسجمی درخصوص جوانان طراحی کرد.

۲۳. افزایش آگاهی‌های عمومی جهت جلوگیری از فرار مغزهای جوان باید در دستور کار نهادهای ذیربط قرار گیرد. فرار مغزها مانع مشارکت جوان در حیات سیاسی

است.

۲۴. مشارکت شهروندان در دستگاه‌های تصمیم‌گیری محلی و ملی از چند جهت مهم است:

- علایق سیاسی جوانان متفاوت از علایق سیاسی شهروندان بزرگسال است و باید حتماً بازنمایی شوند. مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری آگاهی از موضوعات مدنی را افزایش می‌دهد.

- از طریق مشارکت در نهادهای مردم‌سالاری و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی، جوانان می‌توانند در شکل‌دهی به جامعه خود سهیم شوند و خود را با آن همانند سازند.

۲۵. هدف نهایی سیاست‌گذاری جوانان باید آن باشد که به شهروندشدن فعال همه جوانان کمک کند.

۲۶. شهروندی در تجربیات مختلف در درون خانواده، مدرسه، در طول گذران اوقات فراغت و در محل شکل می‌گیرد. از این رو، باید ارزش‌هایی که تعهد مدنی و اجتماعی را در جوانان تقویت کنند در آنها ایجاد شود.

۲۷. سازوکارهایی برای نظارت، پاسخگویی و بازخوردسنجی از فعالیت‌های مشارکتی جوانان طراحی کرد.

۲۸. فعالیت‌های مشارکتی باید احساس تعلق را در جوانان ایجاد کند.

۲۹. جوانان باید احساس کنند که مشارکت آنها ارزشمند است.

۳۰. باید به جوانان نقش‌های واقعی داده شود؛ در غیر این صورت آنها به این نتیجه می‌رسند که جدی گرفته نشده‌اند.

۳۱. گزینه‌های مشارکتی جوانان باید با توجه به نظام ارزشی آنها، تعهدات، زبان، مهارت‌ها، فرهنگ و منابع مالی تنظیم شوند.

۳۲. جوانان یک توده همگون نیستند و مشارکت آنها به معنای یکسان‌سازی دیدگاه‌های متنوع آنها نیست، بلکه به عنوان پذیرش تنوع یک اصل است.

پی‌نوشت:

این گزارش، حاصل تلاش استادان و صاحب‌نظران گروه جامعه‌شناسی جوانان انجمن جامعه‌شناسی ایران، به ویژه دکتر محمدسعید ذکایی، دکتر محمود شهابی، دکتر ابوالقاسم طلوع شیخ‌زاده یزد و دکتر مهدی منتظر قائم است.